

وقتی خورشید در بوینس آیرس برای همیشه غروب کرد

پایان حماسه لئو

از وصال نهایی، قرار است او را از تونل‌های تاریک و وحشتناک رنج‌آورنده عبور دهد.

فصل دوم: صلیب سنگین انتظارات

و سایه بی‌پایان دیه‌گو

پوشیدن پیراهن آرژانتین برای مسی، چیزی شبیه به حمل کردن صلیب در مسیر جلجتا(نام تپه‌ای است که رومی‌ها در آن عیسی مسیح را به صلیب کشیدند) بود. هر بار که او به میدان می‌رفت، سایه‌سنگین مارادونا روی‌شانه‌هایش سنگینی می‌کرد. مردم آرژانتین از او انتظار داشتند همانند دیه‌گو در جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک، یک‌تنه تیم را به دندان بکشد و قهرمانی را برایشان به‌ارمغان بیاورد. اما فوتبال تغییر کرده بود موسی، با تمام‌بوغ فرازمینی‌اش، اسیر تیمی بود که گاهی در سده‌ترین کارهای تاکتیکی عاجز می‌ماند. سال‌های تلخ فرا رسیدند جام جهانی ۲۰۱۰ با آن شکست تحقیرآمیز مقابل آلمان، فینال کاپوس‌وار جام جهانی ۲۰۱۴ در ماراکانا که اشک‌های خاموش لئو در کنار کاپ طلایی جهان، قلب هر بیننده‌ای را پاره‌پاره کرد. و پس از آن، دو فینال پیاپی کوپا آمریکا در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ مقابل شیلی، مسی در فینال ۲۰۱۶ پنالتی‌اش را از دست داد و در پایان بازی، با چشمانی خیس و قلبی شکسته، جمله‌ای را به زبان آورد که جهان فوتبال را در شوک فروبرد: تیم ملی برای من تمام شد. من تمام تلاش‌م را کردم، اما نشد. آن شب، آسمان بویونس آیرس سیاه‌تر از همیشه بود. به نظر می‌رسید خدایان فوتبال تصمیم گرفته‌اند تراژیک‌ترین پایان ممکن را برای بزرگ‌ترین اسطوره خود رقم بزنند. قهرمان در هم شکسته بوده‌نه توسط حریفان، بلکه توسط فشار بی‌رحمانه انتظارات مردمی که او بیش از هر چیز سی در دنیا دوستشان داشت.

فصل سوم: رستاخیز ققنوس؛

از خاکستر تا عرش

اما داستان یک حماسه، هرگز با تسلیم شدن قهرمان به پایان نمی‌رسد. مسی نمی‌توانست بدون ادای دین به وطنش صحنه در ترک کند. او بسا التماس مردم، هم‌تیمی‌ها و حتی رئیس‌جمهور آرژانتین بارگشت، اما این بار چیزی تغییر کرده بود. او دیگر آن پسرک خجالتی و درون‌گرا نبود که بار همه چیز را به تنهایی به دوش بکشد. او تبدیل به یک رهبر واقعی، یک کاپیتان باصلابت و یک مرشد برای نسل جدید بازیکنان آرژانتین شده بود. با روی کار آمدن لیونل اسکالونی، تیمی حول محور مسی

فصل اول:

روای پرسی از دل خاکستر روزاریو

همه چیز از خیابان‌های خاکسی روزاریو آغاز شد. از همان روزهایی که پسر بچه‌ای ریزنش با مشکل هورمون رشد، نوبی را به پایش می‌چسباند و بزرگ‌ترها را یکی پس از دیگری در ریل می‌زد. برای لئو، فوتبال تنها یک بازی نبود؛ زبان او برای ارتباط با جهانی بود که گاهی بیش از حد برای جنه کوچکش بی‌رحم به نظر می‌رسید. او به بارسلونا رفت، در لاماسیا شکوفا شد و به قله‌های باشگاهی رسید، اما قلبش همیشه در آرژانتین می‌تپید. در حالی که بر تن کند، او رویای دیگری داشت: او می‌خواست وارث پیراهن شماره دهی باشد که روزگاری دیه‌گو آزماند و مارادونا آن را به مقدس‌ترین لباس کشورش تبدیل کرده بود. لئو می‌خواست ناجی مردمانی باشد که در میان بحران‌های اقتصادی و سیاسی، تنها دلخوشی‌شان ساق‌های بازیکنان فوتبال بود. او با عشق به آرژانتین آمد، غافل از آنکه این عشق، تاپیش ساق‌های بازیکنان فوتبال بود

چهره به چهره

شبی که منچستر سیتی فرمول فوتبال اروپا را باز نویسی کرد

زلزله در اتحاد

نازنین دشتی

عقره‌های ساعت به واسپین دقایق پنجره نقل و انتقالات تابستانی ۲۰۲۴ نزدیک می‌شدند و در حالی که بقیه غول‌های قاره سبز مشغول بررسی آخرین بر که به لادوسعه بودند، در دفتر مدیریت اتحاد، دراماتیک‌ترین فصل تاریخ نقل و انتقالات منچستر سیتی به نقطه اوج خود رسید. صدای زنگ تلفن، هاله پرواز ناگهانی جت‌های اختصاصی و چک‌های میلیون‌یورویی که پیاپی امضا می‌شدند، همگی خبر از یک چیزی می‌دادند: عصر پگ گوار دیولا رسماً به پایان رسیده و انزو مارتسکا با حمایت همه‌جانبه هوگو ویانا، در حال ساختن امپراتوری نوین خود با شجاعانه‌ترین نوسازی ساختاری تاریخ فوتبال بریتانیا است. آنچه در آخرین ساعات این پنجره دیوانه‌وار رخ داد، تنها پر کردن چند جای خالی در لیست تیم نبود؛ بلکه شبیه به یک کودتای تاکتیکی در سطح اول فوتبال جهان بود که کثرش‌های آن را استمفورد دریج تا لیاگواسری آپیگنری شد.

انفجار بمب ۱۴۵ میلیونی: شبی که لندن از سیتی رودست خورد

در شرایطی که همگان تصور می‌کردند ترکیب منچستر سیتی برای فصل جدید بسته شده، آخرین وبزرگ‌ترین بمب پنجره تابستانی در دست در آخرین ساعت شلیک شد و انزو فرناندز، ستاره آرژانتینی و قهرمان جهان، پس از تابستانی پر از پیچ‌وپیچ، سرانجام پیراهن آبی لندن را از تن بیرون آورد تا با قرار دادی ارزش ۱۴۵ میلیون یورو (۱۲۵ میلیون پوند) راهی منچستر شود. این انتقال، پایان یک بن‌بست طولانی مدت و آغاز یک بحران واقعی در استمفورد بود. پیج انزو مارتسکا که شناخت دقیقی از پتانسیل هافبک آرژانتینی داشت، او را به عنوان فرامنده جدید خط میانی و جانشین انتخابی رودری معرفی کرده بود. خروج فرناندز خزانه چلسی را زیر پول کرد، اما آبی‌های لندن را در دقایق پایانی به یک کابوس نقل و انتقالاتی فرستاد. هم‌زمان با حضور انزو در سیتی، مدیریت هوگو ویانا یک ضربه مهلک دیگر نیز وارد کرد: پر داخت ۶۴ میلیون یورو از نو جذب و ینگر سنگالی اور تون. دو خرید برق‌آسا در ساعات پایانی، مجموعه هزینه‌های دو خریدار جدید را به ۲۰۰ میلیون یورو رساند. در سمت مقابل، جک گرلیش نیز با قرار دادی فرضی بار دیگر راهی اور تون شد تا معامله لندن- منچستر ی با پیچیدگی‌های بیشتری همراه شود.

دومینوی خرابی در لندن؛ صدمه جانبی بمب سیتی

خروج انزو فرناندز، چلسی را به صرافت یافتن جانشین انداخت. آبی‌ها تمام بازار را زیر و رو کردند و تا ستانه‌نهایی کردن معامله ۵۵ میلیون یورویی لامین کامار، اها فابیک جوان موناکو، پیش رفتند. همه چیز برای معارفه جانشین انزو آماده بود که ناگهان باشگاه موناکو به دلیل عدم تأمین جایگزین، دنده عقب و معامله را لغو کرد. داموچی از خشم و سرخوردگی لندن را فراموشه؛ چرا که چلسی نه تنها انزو را از دست داده بود، بلکه با وجود تلاش‌زایی آونسو، بدون مهره کلیدی در خط میانی باقی ماند و تنها توانست خروجی‌های چون دیوید واسوگو (به‌استر اسبورگ) و رابرت سانچز (فرضی به کومو) را ثبت کند.

شرط رنج ۳۰۰ میلیون پوندی: نوسازی کامل قلب تپنده اتحاد

بمب انزو فرناندز تنها آخرین قطعه از پازل جاه‌طلبانه انزو و مارسکا بود. اگر به عقب بازگردیم،

ساخته شد که حاضر بودند برای او جان بدهند. بازیکنانی مثل دی پل، امیلیانو مارتینز و رومرو، نه تنها هم‌تیمی، بلکه سربازان لشکر او بودند. آن‌ها به میدان می‌رفتند تا برای پادشاهشان بجنگند. سال ۲۰۲۱ فرارسید. ماراکانا، ورزشگاهی که روزگاری قتلگاه آرزوهای مسی بود، حالا به صحنه رستگاری او تبدیل شد. فینال کوپا آمریکا مقابل برزیل میزبان، سوت پایان که به صدا درآمد، مسی روی زانوهایش افتاد و دستانش را روی صورتش گذاشت. بغض سال‌ها رنج، تحقیر، انتقاد و ناکامی در همان ثانیه ترکید. او سرانجام با پیراهن بزرگسالان آرژانتین جام برده بود. تصاویر هم‌تیمی‌هایش که او را به هوا می‌انداختند، شبیه به تابلوهایی از دوران رنسانس بود؛ پیروزی نور بر تاریکی.

فصل چهارم:

تاج‌گذاری پادشاه در صحرای قطر

اما او این سمفونی حماسی هنوز باقی مانده بود. جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، رقابتی که همه می‌دانستند آخرین فرصت جدی لئو برای فتح مهم‌ترین جام کهکشانشان است. آرژانتین تورنمنت را با شوک شکست مقابل عربستان آغاز کرد. به نظر می‌رسید دوبار همان کابوس‌های قدیمی در حال تکرارند. اما مسی این بار اجازه نداد ترس بر تیمش غلبه کند. او در بازی با مکزیک، با آن شلیک مهلک از پشت محوطه جریمه، قفل دروازه‌ها و قفل ذهن بازیکنانش را باز کرد. مسیر تافینال، شبیه به یک فیلم‌نامه هالیوودی بود. پلس جادویی و بدون نگاه‌مقابل هلند، در بیل‌های ویرانگر مقابل یوسکو گوار دیول کروات که جوان‌ترین و بهترین مدافع تورنمنت بود و در نهایت، فینال لوسیل ۱۸ دسامبر ۲۰۲۲. فینالی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseeirani.ir
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
ایمیل: tosee_irani@tosee.ir

شماره ۲۲۶۴ / پنجشنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۵ / ۲۱ ربیع الاول ۱۴۴۸ / ۳ سپتامبر ۲۰۲۶

فصل پنجم:

برده آخر: وداعی در اوج شکوه

حالا، در شهر یور ۱۴۰۵، چند روزی است که آن پسرک خجالتی روزاریو، که حالا مردی پخته بامحاسنی جوگندمی و کوله‌باری از افتخارات است، تصمیم به خداحافظی گرفته است. او بعد از قطر، باز هم برای تیم ملی بسازی کرد. او از بازی با پیراهن سته‌ستاره آرژانتین لذت برد. دیگر خبری از آن فشارهای خردکننده نبود. او در زمین قدم می‌زد، لیخند می‌زد و هر بار که توپ به پایش می‌رسید، استادیوم غرق در جادوی ناب می‌شد. اما او می‌دانست که هر داستانی، حتی زیباترین آن‌ها، باید پایانی داشته باشد. او نخواست تا زمانی که بهایش دیگر بسازی نمی‌کنند در زمین بماند. او نخواست به یک سایه از خودش تبدیل شود. او در اوج شکوه، در حالی که هنوز هم بهترین بازیکن زمین بود، تصمیم گرفت بازنود را به نسل بعدی بسپارد.

خداحافظی مسی از تیم ملی، پایان یک بازیکن نیست؛ پایان یک مکتب است. پایان دورانی است که در آن، فوتبال فقط با آمار و ارقام و تاکتیک‌های خشک سنجیده نمی‌شد. مسی تجلی هنر در فوتبال بود. او به نشان داد که می‌توان با قلبی پاک، با جته‌ای کوچک، اما با اراده‌ای به بزرگی کوه‌های آند، تمام موانع را از سر راه برداشت. امروز، رختکن آرژانتین خالی از شماره ۱۰ ابدی خود است؛ پیراهنی که روزگاری بر تن مارادونا و سپس مسی آن را به افسانه‌ای دست‌نیافتنی تر تبدیل کرد: از فردا، هر بازیکنی که پیراهن شماره ۱۰ آرژانتین را بپوشد، نه یک پیراهن، بلکه یک کوه از تاریخ، رنج، عشق و شکوه را بر تن کرده است. ما که در این عصر زندگی کردیم، باید خودمان را خوشبخت‌ترین نسل نماینده بود که او را ستایش نکنم.

تاریخ بدلتیم، ما شاهد بودیم که خدایان فوتبال چگونه برای تماشای بازی او به روی زمین آمدند. تانده‌های او در ۲۰۱۴ و لیخنده‌های او در ۲۰۲۲ را دیدیم. ما با او بزرگ شدیم، با او گرسستیم، با او جنگیدیم و با او به رستگاری رسیدیم. لیونل آندرس مسی، اسطوره بی‌تکرار، شعر مجسم مستطیل سبز؛ بابت تمام لحظاتی که قلب‌ما را به تپش انداختی، بابت تمام دریل‌هایی که قوانین فیزیک را به سفره‌گر فکند و بابت اینکه به ما یاد دادی پس از هر بار زمین خوردن، چگونه دوباره برخیزیم و برای رویاهایمان بجنگیم، از تو سپاسگزاریم. تواز تیم ملی خداحافظی کردی، اما در قلب تاریخ و در روح فوتبال، تاابد، جاودانه خواهی ماند. افسانه تو تازه از اسرور، در قصه‌هایی که پدران برای فرزندانشان تعریف می‌کنند، آغاز می‌شود. آرام‌باش قهرمان، تو دینت را به فوتبال، به آرژانتین و به بشریت ادا کردی. حالا وقت استراحت است.



رادستخوش تغییرات بنیادین کرد. نگاهی به سایر تحرکات بزرگ در روز پایانی نشان می‌دهد که بازار تابستانی اسمال چندر پر پیچ‌وخم بوده است.

***لیگ برتر انگلیس: از خرج‌های ویلا تا بمب‌های نیو کاسل**

استون ویلا: انان‌امری با خرج بیش از ۰ میلیون یورو (امبیه پدیده دفاعی) و هارود ویلیس را از ساوتهمپتون به بیرمنگام آورد.

تاتنهام: اسپر برای آماده‌سازی شرایط خرید آداریو از چلسی و معامله قرضی مودریک، مجبور شد استون ویلا را به ساندرلند بفروست و پاپ ماتار سار را راهی بوونتوس کند.

نیو کاسل: کلاخ‌ها با پرداخت ۵۵ میلیون یورو به لیل، ماتیس فرانلر را دود را جذب کردند و مانوئل انخل رانیاز را ژال مادرید گشتا خریدند.

برا یوتون: در خریدی برق آسا، چما آندرس، بازیکن سابق ژال مادرید را با ۲۲ میلیون یورو از اشتونگارت جذب کرد.

***سری آیتالیا: سسک فابرگاس و خریدهای بزرگ**

کومو: تیم تحت هدایت سسک فابرگاس، میوزه کین را از فیورنتینا (فرضی با بند خرید اجباری) و رابرت سانچز را از چلسی به خدمت گرفت.

یوونتوس: پس از فروش جاناتان دیوید به التیکو کومارید، بانوی پیر بلافاصله نیک وولتنامه را از نیو کاسل و پاپ ماتار سار را از تاتنهام جذب کرد.

فیورنتینا: بالنتقال آلبرت گویمونسون به لاتزیو جنارو گتوزو، فیورنتینا در آخرین دقیقه پدرو گونزالس را از اسپورتینگ لیسیون خرید. در نهایت، مجموع هزینه‌های ۲۰ تیم سری آ به ۱.۱۶۷ میلیارد یورو رسید.

***بوندس لیگا و لوشامپیونه: تحرکات بنزینی رو و کوردهای مالی**

لایپزیش: مارک گویوم، مهاجم جوان اسپانیایی را با ۱۶ میلیون یورو از چلسی خرید و شماره ۹ را به اونسبر، همچنین العیناوی نیز به لایپزیش بیوست.

دور توموند لور کوزن: انوانزی از آرسنال به دور توموند (فرضی) رفت و موسی دیابی با ۳۰ میلیون یورو از الاتحاد به خانه سابقش، اورکوزن، بازگشت.

نقل و انتقالات فرانسه: لیگ یک فرانسه باز هم تراز مالی مثبت ثبت کرد: ۱.۲۷۴ میلیارد یورو درآمده فروش در مقابل ۹۵۵ میلیون یورو هزینه خرید یاری سن ژرمن با خرید ۵۰ میلیون اکیلیوش و فروش شگفت‌انگیز برنلی بار کلوپ به لیور پال رقم ۱۴۰ میلیون یورو، ر کوردهای فروش را جابه‌جا کرد.

نگاه مالی و تاکتیکی: ریسک بزرگ مارسکا ز سرایه ۱۱۵ اتهام

از نظر مالی، اگر چه هزینه خالص منچستر سیتی در کل این پنجره حدود ۱۵۰ میلیون پوند برآورد می‌شود، تمرکز سنگین این رقم روی خط میانی، انتقادهای فراوانی را از سوی کارشناسان برانگیخته است؛ به‌ویژه آنکه سایه سنگین پرونده ۱۱۵ اتهام مالی همچنان بر سر باشگاه سنگینی می‌کند. اما بعد فوتبالی، انزو مارسکا نشان داده که برخلاف سبک پیچیده و مالکیت محور پپ گواردیولا، به دنبال فوتبالی عمل گرا تر، مستقیم‌تر و با پویایی فیزیکی بیشتر است. خروج رودری و برناردو سیلوا، توانایی کنترل جریان بازی را از سیتی گرفته بود؛ اما اکنون، ترکیب داترسون (قدرت تحریک)، بوعدی (بازسازی و هوش) و وانزو فرناندز (رهبری و خلاقیت)، خط میانی جدید سیتی آماده است تا در فصل ۲۷-۲۰۲۶، تعریف جدیدی از قدرت را به رخ انگلیس و اروپا بکشد. پنجره نقل و انتقالات تابستانی بسته شد، اما داستان مانچستر جدید مارسکا تازه آغاز شده است. آیین ملث ۳۰۰ میلیون پوندی می‌تواند سیتی را در قله فوتبال جهان نگه‌دارد یا نوسازی ناگهانی، توان سنگینی برای سیتیزن‌ها خواهد داشت؛ پاسخ این سوال در مستقبل سبز اتحاد داده خواهد شد.